

کلمه حیات

¹ در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. ² همان در ابتدا نزد خدا بود. ³ همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. ⁴ در او حیات بود و حیات نور انسان بود. ⁵ و نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را دریافت.

کلمه جسم گردید

⁶ شخصی از جانب خدا فرستاده شد که اسمش یحیی بود. ⁷ او برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد تا همه به وسیله او ایمان آورند. ⁸ او آن نور نبود بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد. ⁹ آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می گرداند و در جهان آمدنی بود. ¹⁰ او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را نشناخت. ¹¹ به نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند. ¹² و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، ¹³ که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند. ¹⁴ و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر.

¹⁵ و یحیی بر او شهادت داد و ندا کرده، می گفت: این است آنکه درباره او گفتم آنکه بعد از من می آید، پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود. ¹⁶ و از پُری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض، ¹⁷ زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید. ¹⁸ خدا را هرگز کسی ندیده است؛ پسر یگانه ای که در آغوش پدر است، همان او را ظاهر کرد.

شهادت یحیی تعمیددهنده

¹⁹ و این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلیم کاهنان و لویان را فرستادند تا از او سؤال کنند که: تو کیستی؟ ²⁰ که معترف شد و انکار ننمود، بلکه اقرار کرد که: من مسیح نیستم. ²¹ آنگاه از او سؤال کردند: پس چه؟ آیا تو الیاس هستی؟ گفت: نیستم. آیا تو آن نبی هستی؟ جواب داد که: نه. ²² آنگاه بدو گفتند: پس کیستی تا به آن کسانی که ما را فرستادند جواب بریم؟ درباره خود چه

¹In the beginning was the Word, and the Word was with God, and the Word was God. ²The same was in the beginning with God. ³All things were made by him; and without him was not any thing made that was made. ⁴In him was life; and the life was the light of men. ⁵And the light shineth in darkness; and the darkness comprehended it not. ⁶There was a man sent from God, whose name was John. ⁷The same came for a witness, to bear witness of the Light, that all men through him might believe. ⁸He was not that Light, but was sent to bear witness of that Light. ⁹That was the true Light, which lighteth every man that cometh into the world. ¹⁰He was in the world, and the world was made by him, and the world knew him not. ¹¹He came unto his own, and his own received him not. ¹²But as many as received him, to them gave he power to become the sons of God, even to them that believe on his name: ¹³Which were born, not of blood, nor of the will of the flesh, nor of the will of man, but of God. ¹⁴And the Word was made flesh, and dwelt among us, (and we beheld his glory, the glory as of the only begotten of the Father,) full of grace and truth. ¹⁵John bare witness of him, and cried, saying, This was he of whom I spake, He that cometh after me is preferred before me: for he was before me. ¹⁶And of his fulness have all we received, and grace for grace. ¹⁷For the law was given by Moses, but grace and truth came by Jesus Christ. ¹⁸No man hath seen God at any time; the only begotten Son, which is in the bosom of the Father, he hath declared

می‌گویی؟²³ گفت: من صدای ندا کننده‌ای در بیابانم که راه خداوند را راست کنید، چنانکه اشعیا نبی گفت.²⁴ و فرستادگان از فریسیان بودند.²⁵ پس از او سؤال کرده، گفتند: اگر تو مسیح و الیاس و آن نبی نیستی، پس برای چه تعمید می‌دهی؟²⁶ یحیی در جواب ایشان گفت: من به آب تعمید می‌دهم و در میان شما کسی ایستاده است که شما او را نمی‌شناسید.²⁷ و او آن است که بعد از من می‌آید، اما پیش از من شده است، که من لایق آن نیستم که بند نعلینش را باز کنم.²⁸ و این در بیت‌عبره که آن طرف اُژدن است، در جایی که یحیی تعمید می‌داد واقع گشت.

²⁹ و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می‌آید. پس گفت: اینک، بَرّه خدا که گناه جهان را برمی‌دارد!³⁰ این است آنکه من درباره او گفتم که: مردی بعد از من می‌آید که پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود.³¹ و من او را نشناختم، لیکن تا او به اسرائیل ظاهر گردد، برای همین من آمده به آب تعمید می‌دادم.³² پس یحیی شهادت داده، گفت: روح را دیدم که مثل کبوتری از آسمان نازل شده، بر او قرار گرفت.³³ و من او را نشناختم، لیکن او که مرا فرستاد تا به آب تعمید دهم، همان به من گفت: بر هر کس بینی که روح نازل شده، بر او قرار گرفت، همان است او که به روح القدس تعمید می‌دهد.³⁴ و من دیده شهادت می‌دهم که این است پسر خدا.

شاگردان عیسی

³⁵ و در روز بعد نیز یحیی با دو نفر از شاگردان خود ایستاده بود.³⁶ ناگاه عیسی را دید که راه می‌رود؛ و گفت: اینک، بَرّه خدا.³⁷ و چون آن دو شاگرد کلام او را شنیدند، از پی عیسی روانه شدند.³⁸ پس عیسی روی گردانیده، آن دو نفر را دید که از عقب می‌آیند. بدیشان گفت: چه می‌خواهید؟ بدو گفتند: ربّی (یعنی ای معلّم) در کجا منزل می‌نماید؟ بدیشان گفت: بیایید و ببینید. آنگاه آمده، دیدند که کجا منزل دارد، و آن روز را نزد او بماندند و قریب به ساعت دهم بود.⁴⁰ و یکی از آن دو که سخن یحیی را شنیده، پیروی او نمودند، اندریاس برادر شمعون پطرس بود.⁴¹ او اوّل برادر خود شمعون را یافته، به او گفت: مسیح را، که ترجمه آن گِرسُّس است، یافتیم.⁴² و چون او را نزد

him.¹⁹ And this is the record of John, when the Jews sent priests and Levites from Jerusalem to ask him, Who art thou?²⁰ And he confessed, and denied not; but confessed, I am not the Christ.²¹ And they asked him, What then? Art thou Elias? And he saith, I am not. Art thou that prophet? And he answered, No.²² Then said they unto him, Who art thou? that we may give an answer to them that sent us. What sayest thou of thyself?²³ He said, I am the voice of one crying in the wilderness, Make straight the way of the Lord, as said the prophet Esaias.²⁴ And they which were sent were of the Pharisees.²⁵ And they asked him, and said unto him, Why baptizest thou then, if thou be not that Christ, nor Elias, neither that prophet?²⁶ John answered them, saying, I baptize with water: but there standeth one among you, whom ye know not;²⁷ He it is, who coming after me is preferred before me, whose shoe's latchet I am not worthy to unloose.²⁸ These things were done in Bethabara beyond Jordan, where John was baptizing.²⁹ The next day John seeth Jesus coming unto him, and saith, Behold the Lamb of God, which taketh away the sin of the world.³⁰ This is he of whom I said, After me cometh a man which is preferred before me: for he was before me.³¹ And I knew him not: but that he should be made manifest to Israel, therefore am I come baptizing with water.³² And John bare record, saying, I saw the Spirit descending from heaven like a dove, and it abode upon him.³³ And I knew him not: but he that sent me to baptize with water, the same said unto me, Upon whom thou shalt see the

عیسی آورد، عیسی بدو نگرسته، گفت: تو شمعون پسر یونا هستی؛ و اکنون کیفا خوانده خواهی شد، که ترجمه آن پطرس است.

⁴³ بامدادان چون عیسی خواست به سوی جلیل روانه شود، فیلیپس را یافته، بدو گفت: از عقب من بیا. ⁴⁴ و فیلیپس از بیت صیدا از شهر اندریاس و پطرس بود. ⁴⁵ فیلیپس تنائیل را یافته، بدو گفت: آن کسی را که موسی در تورات و انبیا مذکور داشته‌اند، یافته‌ایم که عیسی پسر یوسف ناصری است. ⁴⁶ تنائیل بدو گفت: مگر می‌شود که از ناصره چیزی خوب پیدا شود؟ فیلیپس بدو گفت: بیا و بین.

⁴⁷ و عیسی چون دید که تنائیل به سوی او می‌آید، درباره او گفت: اینک، اسرائیلی حقیقی که در او مکاری نیست. ⁴⁸ تنائیل بدو گفت: مرا از کجا می‌شناسی؟ عیسی در جواب وی گفت: قبل از آنکه فیلیپس تو را دعوت کند، در چینی که زیر درخت انجیر بودی، تو را دیدم. ⁴⁹ تنائیل در جواب او گفت: ای استاد، تو پسر خدایی! تو پادشاه اسرائیل هستی! ⁵⁰ عیسی در جواب او گفت: آیا از اینکه به تو گفتم که تو را زیر درخت انجیر دیدم، ایمان آوردی؟ بعد از این چیزهای بزرگتر از این خواهی دید. ⁵¹ پس بدو گفت: آمین، آمین، به شما می‌گویم که: از کنون آسمان را گشاده، و فرشتگان خدا را که بر پسر انسان صعود و نزول می‌کنند خواهید دید.

Spirit descending, and remaining on him, the same is he which baptizeth with the Holy Ghost. ³⁴ And I saw, and bare record that this is the Son of God. ³⁵ Again the next day after John stood, and two of his disciples; ³⁶ And looking upon Jesus as he walked, he saith, Behold the Lamb of God! ³⁷ And the two disciples heard him speak, and they followed Jesus. ³⁸ Then Jesus turned, and saw them following, and saith unto them, What seek ye? They said unto him, Rabbi, (which is to say, being interpreted, Master,) where dwellest thou? ³⁹ He saith unto them, Come and see. They came and saw where he dwelt, and abode with him that day: for it was about the tenth hour. ⁴⁰ One of the two which heard John speak, and followed him, was Andrew, Simon Peter's brother. ⁴¹ He first findeth his own brother Simon, and saith unto him, We have found the Messias, which is, being interpreted, the Christ. ⁴² And he brought him to Jesus. And when Jesus beheld him, he said, Thou art Simon the son of Jona: thou shalt be called Cephas, which is by interpretation, A stone. ⁴³ The day following Jesus would go forth into Galilee, and findeth Philip, and saith unto him, Follow me. ⁴⁴ Now Philip was of Bethsaida, the city of Andrew and Peter. ⁴⁵ Philip findeth Nathanael, and saith unto him, We have found him, of whom Moses in the law, and the prophets, did write, Jesus of Nazareth, the son of Joseph. ⁴⁶ And Nathanael said unto him, Can there any good thing come out of Nazareth? Philip saith unto him, Come and see. ⁴⁷ Jesus saw Nathanael coming to him, and saith of him, Behold an Israelite

John 1

indeed, in whom is no guile!⁴⁸ Nathanael saith unto him, Whence knowest thou me? Jesus answered and said unto him, Before that Philip called thee, when thou wast under the fig tree, I saw thee.⁴⁹ Nathanael answered and saith unto him, Rabbi, thou art the Son of God; thou art the King of Israel.⁵⁰ Jesus answered and said unto him, Because I said unto thee, I saw thee under the fig tree, believest thou? thou shalt see greater things than these.⁵¹ And he saith unto him, Verily, verily, I say unto you, Hereafter ye shall see heaven open, and the angels of God ascending and descending upon the Son of man.